

فصلنامه تخصصی مطالعات جوان و رسانه

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

پاییز ۱۳۹۰، شماره ۱، صفحه ۹

جوان و جهاد اقتصادی

مریم رضایی*

// چکیده

موضوع این مقاله «جوان و جهاد اقتصادی» است. این پژوهش درصدد بیان اهمیت نقش جوانان در تولید و اقتصاد کشور است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که جوانان به عنوان قشر پرتلاش و نیروی سرزنده و پرنشاط یکی از مهم‌ترین نیروهای تأثیرگذار در تولید و اقتصاد کشور به شمار می‌آیند.

به همین جهت، در این مقاله پس از تبیین مفاهیم و ابعاد جهاد اقتصادی، مقوله جوان و ویژگی‌های دوران جوانی، ارائه و کار و فعالیت هر چه بیشتر جوانان، به عنوان یکی از پیش‌نیازهای جهاد اقتصادی معرفی می‌شود. سپس آثار و فواید کار و تلاش در زندگی جوانان بررسی و در پایان، محورهای کاربردی در برنامه‌های رسانه ملی به منظور تحقق جهاد اقتصادی، بیان می‌شود.

کلید واژگان: جهاد، اقتصاد، جهاد اقتصادی و جوان.

// مقدمه

اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۹ یکی از موانع مهم پیشرفت اقتصادی خود، یعنی هدفمند کردن یارانه‌ها را پشت سر نهاد و با این حرکت، در مسیری از تحول جدید قرار گرفت. وضع تحریم‌های جدید سیاسی و اقتصادی و تحمیل ناآرامی‌ها و خشونت‌های پس از انتخابات شکوهمند ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ از یک سو و بحران اقتصاد جهانی از سوی دیگر، موانع سختی پیش روی اقتصاد ایران ایجاد کرده بود که مدیریت هوشمندانه اقتصادی در کنار اتحاد و یک پارچگی مردم، از آسیب پذیری اقتصاد و رشد و توسعه جمهوری اسلامی ایران پیش‌گیری کرد.

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی نیز در پیام نوروزی خود به مناسبت حلول سال ۱۳۹۰ خورشیدی، سال جدید را با عنوان «جهاد اقتصادی» نام‌گذاری کرد. نام‌گذاری سال ۱۳۹۰ نشان از عزم جدی رهبر انقلاب برای طراحی الگوی اسلامی - ایرانی در دهه پیشرفت و عدالت دارد و تحقق این امر، بسیج یک پارچه همه نهادهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را می‌طلبد. در این میان، جوانان به عنوان قشر پرتوان و سرزنده و خواهان پیشرفت، می‌توانند با توجه به انگیزه‌ها، توانایی‌ها و اعتقادات خود، نقش مهمی را در رسیدن به اهداف عالی اقتصاد کشور ایفا کنند. به دیگر سخن، موفقیت در جهاد اقتصادی، در گرو جهاد اقتصادی جوانان کشور است. جوانان، سرمایه اصلی کشور و طایفه داران بسیج اقتصادی هستند.

// ۱. ضرورت نام‌گذاری سال ۱۳۹۰ به سال جهاد اقتصادی

رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی خود، سال ۱۳۹۰ را به سال جهاد اقتصادی نام‌گذاری کرد و این مسئله، جهت‌گیری کلیه تصمیم‌ها و اقدام‌های دولت و مسئولان و نیز آحاد مردم را در تمام سطوح مشخص می‌کند و آن حرکت جهادگونه، رو به پیشرفت و توسعه اقتصاد است. اهمیت و ضرورت جهاد اقتصادی را در چند زمینه می‌توان بررسی کرد:

تأکید رهبر معظم انقلاب در برخی سخنانشان در سال 1387 بر موضوع عدالت و نام گذاری دهه چهارم انقلاب به نام دهه پیشرفت و عدالت، نشان دهنده توجه ایشان به مؤلفه‌ها و پیش نیازهای تحقق پیشرفت و عدالت در کشور است.

رهبر انقلاب در سال 1387 در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، پرکاری و نشاط خدمت به مردم، برجسته کردن شعارها و گفتمان امام و انقلاب، و انس با مردم و روحیه مردمی را سه ویژگی بارزش دولت نهم خواند و تأکید کرد دهه چهارم انقلاب، دهه پیشرفت و عدالت است و همه برنامه‌ریزی‌ها و تلاش‌ها باید با این جهت‌گیری انجام شود. (سخنرانی در دیدار رئیس جمهوری و هیئت دولت، 2/6/1387)

همچنین، نام گذاری سال 1388 به سال اصلاح الگوی مصرف، نشان دهنده توجه به جنبه‌های اثرگذار صرفه جویی برای پیشرفت اقتصادی و نیز اهمیت مدیریت مدبرانه و عاقلانه در امر مصرف است که یکی از مؤلفه‌های تحقق شعار پیشرفت و عدالت نیز به شمار می‌رود. نام گذاری سال 1389 نیز به سال همت و کار مضاعف و اعلام سال 1390 به نام سال جهاد اقتصادی، از توجه روزافزون رهبر انقلاب به تلاش و کوشش هر چه بیشتر برای رسیدن به پیشرفت اقتصادی کشور خبر می‌دهد. بدیهی است مصداق‌های پیشرفت اقتصادی، پیشرفت در تولید و افزایش ثروت ملی، افزایش بهره‌وری، تقویت عزم و اراده و اتحاد ملی و دست‌یابی به فن‌آوری‌های پیشرفته است که لازمه آن، تلاش و مجاهدت جوانان و پی‌گیری تمامی مسئولان و مردم است.

// ب) دست‌یابی به یکی از محورهای سند چشم‌انداز بیست ساله کشور

یکی از ضرورت‌های حرکت جهادگونه، تحقق یکی از محورهای مهم سند چشم‌انداز بیست ساله کشور است. در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، دست‌یافتن به جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فن‌آوری در سطح منطقه‌ای آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه)، با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و نیز رسیدن به اشتغال کامل همراه است. ناگفته نماند از مؤلفه‌های دست‌یابی به این اهداف نیز رعایت اصلاح الگوی مصرف، داشتن همت مضاعف، کار مضاعف و نیز تلاش جهادگونه در پیشبرد اقتصاد است که البته این سه موضوع مهم و اساسی، ارتباطی تنگاتنگ با هم دارند و زمینه‌ساز تأمین اقتصادی کشور هستند.

// ج) مقابله با توطئه‌های دشمن برای ناکارآمد نشان دادن نظام در بعد اقتصادی

توجه به این مسئله که دشمن از حربه ناکارآمد نشان دادن نظام جمهوری اسلامی ایران در بعد اقتصادی، برای ضربه زدن به نظام و ایجاد حس ناامیدی در مردم استفاده می‌کند، ضرورت جهاد و تلاش اقتصادی، افزودن بر ثروت ملی و بالا بردن سطح توان اقتصادی و درآمد مردم را دو چندان می‌کند.

در دهه‌های گذشته، هیچ دشمنی نتوانست چه در بعد نظامی و امنیتی - در طول هشت سال دفاع مقدس - و چه در زمینه اتحاد و یک‌پارچگی و وحدت ملی مردم، به نظام ضربه‌ای بزند. ضمن آنکه، کارنامه پیشرفت‌های علمی ایرانیان در سطح جهان درخشان و پرآمیز است. با این حال، فراز و نشیب‌هایی که در طول سال‌های گذشته در مسائل اقتصادی کشور وجود داشته است، می‌تواند برای دشمن فرصت‌هایی را ایجاد کند تا با استفاده از این شرایط، نظام جمهوری اسلامی ایران را در زمینه اقتصادی و معیشتی مردم ناکارآمد القا کند و آنان را بی‌روحیه و ناامید بسازد تا بتواند دست‌کم از این طریق به نظم ضربه بزند. بنابراین، انتخاب عنوان جهاد اقتصادی برای سال 1390 بسیار هوشمندانه است و نشان از دوراندیشی و آینده‌نگری رهبر معظم انقلاب در جهت خنثی کردن توطئه‌های دشمن دارد. ایشان در این زمینه می‌فرماید:

دشمنان ملت درصدد آنند که دشمنی خود را از دو راه با ملت ایران به تحقق برسانند. یکی ایجاد تفرقه در میان صفوف ملت، از بین بردن یک‌پارچگی ملت ایران، و از دست ملت ایران این نیروی عظیم وحدت، را ربودن و آنها را به اختلافات داخلی سرگرم کردن [است]. و دومی ایجاد مشکلات و تلاش برای توقف ملت ایران در زمینه‌های گوناگون سازندگی کشور و رفاه عمومی خود... ملت ما باید هوشیار باشد. تلاش برای سازندگی کشور و عمدتاً و مهم‌تر از آن، تلاش برای اتحاد کلمه و یک‌پارچگی ملی و اتحاد امت اسلامی ادامه یابد. (سخنرانی در نوروز 1386)

// د) مقابله با تحریم‌های اقتصادی

یکی از اقدامات ایالات متحده آمریکا بر ضد جمهوری اسلامی ایران، سیاست تحریم اقتصادی، علمی، سیاسی ایران و فروش سلاح و مهمات است. نخستین تحریم علیه ایران در سال 1358 بود و از آن تاریخ به بعد ایران با تحریم‌های گوناگونی از سوی آمریکا روبه‌رو شد. تقویم تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران، نشان می‌دهد که این تحریم‌ها در سال‌های اخیر شدت بیشتری یافته است و این تشدید سیاست تحریم علیه ایران، ایجاب می‌کند که ملت ایران در مسائل اقتصادی، جهادگونه بکوشند.

رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید:

از جمله اساسی‌ترین کارهای دشمنان ملت ما و کشور ما در مقابله با کشور ما، مسائل اقتصادی است. البته در عرصه فرهنگی هم فعالاند، در عرصه سیاسی هم فعالاند، در عرصه انحصارات علمی هم فعالاند، اما در عرصه اقتصادی فعالیت بسیاری دارند. همین تحریم‌هایی که دشمنان ملت ایران زمینه‌سازی کردند یا آن را علیه ملت ایران اعمال کردند، قصد این بود که یک ضربه‌ای بر پیشرفت کشور ما وارد کنند و آن را از این حرکت شتابنده باز بدارند. البته خواسته آنها برآورده نشد و نتوانستند از تحریم‌ها آن نتیجه‌ای را که انتظار داشتند، بگیرند و تدابیر مسئولان و همراهی ملت بر ترفند دشمنان فائق آمد، اما دنبال می‌کنند. لذا در این سال جاری که از این لحظه آغاز می‌شود، ما بایستی توجه کنیم به اساسی‌ترین مسائل کشور و محور همه اینها به نظر من، مسائل اقتصادی است. (پیام نوروزی مقام معظم رهبری، 1/1/1390)

// 2. مفهوم شناسی

جهاد از ماده «جهد» یا «جُهد» به معنای طاقت و مشقت گرفته شده است. جهاد به معنای به نهایت رساندن تمام قدرت و توان در دفاع از دشمن است و به معنای تلاش و کوشش همراه با مشقت آمده است. (راغب اصفهانی، 1404: 101)

دهخدا نیز جهاد را به کارزار کردن با دشمنان در راه خدا و جنگیدن در راه حق معنا کرده است. (دهخدا، 1373: 5: 7921)

اگر چه جهاد به معنای جنگ و تلاشی همراه با رنج برای پیروز شدن در برابر دشمن است، در قرآن کریم به معنای تلاش و کوشش نیز آمده است: وَصَيِّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا... (عنکبوت: 8)

و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند، و [لی] اگر آنها با تو در کوشند تا چیزی را که بدان علم نداری با من شریک گردانی، از ایشان اطاعت مکن.

بنابراین، با توجه به معنا و مفهوم گسترده جهاد، هر نوع تلاش و کوشش که با مشقت همراه است، جهاد نامیده می‌شود.

// (ب) مفهوم اقتصاد در لغت و اصطلاح

اقتصاد در لغت، از ریشه «قصد» به معنای میانبروی در هر کاری است. (دهخدا، 1373: 2: 3114)

اقتصاد در اصطلاح، علم به مجموع وسایل است که برای رفع نیازهای مادی بشر از آن استفاده می‌شود. (همان)

همچنین در دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی در توضیح اصطلاح علم اقتصاد چنین آمده است:

1. موضوع علم اقتصاد، بررسی فعالیت‌های مربوط به مبادلات و معاملات پولی است.
2. علم اقتصاد، بررسی روش‌هایی است که بشر برای استفاده از منابع محدود (زمینی، کار، هزینه و معلومات فنی) برای تولید کالاها به کار می‌برد و ترتیبی است که برای توزیع این کالاها در میان افراد جامعه و مصرف آنان می‌دهد. (شایان مهر، 1377: 1: 74)

// (ج) مفهوم جهاد اقتصادی

ترکیب واژه جهاد با واژه اقتصاد، معنا و مفهوم خاصی را ارائه می‌دهد؛ زیرا واژه جهاد به معنای جنگیدن در راه خدا با دشمنان را به ذهن متبادر می‌کند، معمولاً به نوعی تلاش و کوشش مقدس که جنبه عبادی دارد، اطلاق می‌شود. برای مثال، در ادبیات دینی، به کسی که در راه کسب رزق و روزی حلال برای خانواده‌اش می‌کوشد، مجاهد اطلاق می‌شود. (فیض کاشانی، 1415: 143) بنابراین، یک ویژگی ترکیب جهاد اقتصادی بُعد تقدس آن است؛ یعنی تلاش و کوشش در جهت پیشبرد اقتصاد که جنبه عبادی دارد.

به فرموده رهبر معظم انقلاب: «روحیه جهادی یعنی اعتقاد به اینکه ما می‌توانیم و [نیز] کار بی وقفه و خستگی ناپذیر و استفاده از همه ظرفیت وجودی و ذهنی و اعتماد به جوان‌ها». (سخنرانی در دیدار با کشاورزان، 14/10/1384)

روحیه جهادی داشتن، یعنی توجه داشتن به خدا و اخلاص در کارها، تلاش بی وقفه و مستمر در کارها، داشتن روحیه گذشت و ایثار و اشتیاق خدمت به اسلام و مسلمانان و عبادت شمردن خدمت‌گزاران به خلق خدا.

// 3. اصول جهاد اقتصادی¹

// (الف) اصل کارآفرینی

کارآفرینی، اساس پیشرفت و توسعه جوامع است. اگر ملتی کارآفرین باشد، منابع زیرزمینی خود را نیز در راستای توسعه زیرساخت‌ها به کار خواهد گرفت. بنابراین، تلاش برای انواع ابداع‌ها، خلاقیت‌ها، نوآوری‌ها و کارآفرینی، از جنبه‌های مهم جهاد اقتصادی است که تعبیر علمی آن، تولید ثروت از دانش است.

// (ب) اصل صرفه جویی و نهاده‌ها کردن روش‌ها

صرفه جویی عاملی مهم در جهاد اقتصادی است که با نگاه درون دینی همه می‌توان از آن دفاع کرد. هدر ندادن منابع، پیش‌گیری از اسراف، درست مصرف کردن و برنامه‌ریزی اقتصادی نیز از اصولی است که رعایت آنها به اندوخته‌ها و ذخایر ملی می‌افزاید و توزیع منابع را تا اندازه‌ای عادلانه می‌کند. باید و لخرجی و اسراف به یک ضد ارزش تبدیل و قناعت به عنوان یک شاخص دینی، برجسته شود. دولت می‌تواند با سیاست‌های انگیزشی و تشویقی خود، نه تنها دستگاه‌های حکومتی بلکه مردم را نیز در این مسیر تشویق و ترغیب سازد و در عین حال، الگوهای عینی و عملی را نیز از رسانه ملی معرفی و از آنان قِردانی کند تا زمینه‌های لازم برای جهاد اقتصادی فراهم شود.

از سوی دیگر، کشور ما نیازمند نهاده‌ها شدن روش‌های درست مصرف کردن است. هدفمند کردن یارانه‌ها نمونه‌ای از این تمرین و آموزش عمومی است که پی‌آمدهای آن را در کمترین زمان می‌توان دید و به شمارش آورد. بنابراین باید همه اهرم‌ها و مکانیسم‌هایی که می‌تواند از هدر رفتن منابع خدادادی و تولیدی کشور جلوگیری کند، به کار افتد تا فرهنگ عمیق آن در نسل‌های آینده نهادینه شود.

باید تمام برنامه‌ریزی‌های دولت و نظام جهت‌گیری جهاد اقتصادی داشته باشد و از رفتارهای نامدین یا شتاب‌زده به صورت جدی پرهیز شود. بدون برنامه‌ریزی درست، سنجیده و عمیق، جهادی اقتصادی در سطح شعار باقی خواهد ماند.

// (ج) اصل برنامه ریزی در برنامه محوری

باید تمام برنامه ریزی‌های دولت و نظام جهت‌گیری جهاد اقتصادی داشته باشد و از رفتارهای نامدین یا شتاب‌زده به صورت جدی پرهیز شود. بدون برنامه ریزی درست، سنجیده و عمیق، جهاد اقتصادی در سطح شعار باقی خواهد ماند.

افزون بر این، در کلمه جهاد، تلاش برای رفع مانع وجود دارد. بر این اساس، این ترکیب به صورت تلویحی اشاره دارد به اینکه باید موانع پیشرفت اقتصادی را شناسایی کرد و آنها را با تمام توان از بین برد.

واژه جهاد، لزوم داشتن نقشه برای اجرای عملیات را تأکید می‌کند؛ یعنی اگر بخواهیم اقتصاد موفقی داشته باشیم، باید نقشه جامعی از داشته‌ها، توان و ثروت ملی و... داشته باشیم.

مؤلفه اصلی در جهاد، وجود و حضور دشمن است؛ دشمنی که قصد تهاجم و ضربه زدن دارد. بنابراین، در جهاد اقتصادی، در واقع با یک دشمن بیرونی روبه‌رو هستیم که می‌کوشد بنیان‌های اقتصادی ما را تضعیف کند و در این راه از چیزی فروگذار نمی‌کند.

// (د) اصل تولید

تولید جنبه‌های گوناگونی دارد که از یک سو بر اشتغال می‌افزاید و از سویی واردات را کاهش می‌دهد. همچنین، اثر روانی آن یعنی اعتماد به نفس ملی و غرور ملی افزایش می‌یابد و آثار هویت بخش آن، بر شخصیت تک‌تک مردم نیز مؤثر خواهد بود. گفتنی است، استقلال اقتصادی از مسیر تولید می‌گذرد، بنابراین تولیدات استراتژیک باید در اولویت جهاد اقتصادی قرار گیرد و پس از شناسایی و برطرف کردن عوامل ضد تولید، اصل تولید نیز به مثابه ارزش معرفی شود.

// (ه) اصل خدمت رسانی

بخش‌های گسترده‌ای از کشور، همچنان از مشکلات روزمره زندگی رنج می‌برند و عدالت توزیعی را هنوز به صورت عینی درک نکرده‌اند. خدمت رسانی که از سال 1372 مقام معظم رهبری اجرای آن را به عهده بسیج مستضعفان قرار داده است، باید در سال جهاد اقتصادی از ضریب و اهتمام ویژه‌ای برخوردار شود تا عدالت که شاه‌بیت مشروعیت نظام اسلامی است، به دل و زبان محرومان جاری شود. باید دستگاه‌های مختلف کشور امر خدمت رسانی در سال آینده را جدی بگیرند و همه منابع و امکانات خود را در خدمت بسیج قرار دهند تا این بعد از جهاد اقتصادی نیز برای مردم شایسته و نیکو جلوه کند.

// (و) اصل آرامش

انجام اصول پیشین، نیازمند تمرکز اذهان و اراده‌ها و برنامه‌ها بر مسئله است. باید مراقب بود که دعوای قدرت، به جهاد اقتصادی سایه نیفکند و آن را تحت تأثیر قرار ندهد. نخبگان سیاسی و اجتماعی اگر داعیه ورود به قدرت با اثبات حقانیت خود دارند، باید در مسیر جهاد اقتصادی بکوشند. بنابراین، بحث بر سر مسائل بیهوده می‌تواند جهاد اقتصادی را مختل کند و البته جهاد اقتصادی نیازمند عزم و همگرایی ملی به ویژه در قوای سه‌گانه کشور است.

// 4. جوان و جهاد اقتصادی

در جوامع امروزی، اقتصاد در همه جنبه‌های زندگی اثر می‌گذارد و استقلال کشورهای اسلامی تا اندازه زیادی وابسته به وضعیت اقتصادی کشورهاست. اگر کشوری از نظر اقتصادی قدرتمند باشد، در حوزه سیاست و حاکمیت نیز مستقل خواهد بود. در این میان، نقش نسل جوان کشور که نسل پر نشاط و آماده به کارند، در این زمینه پررنگ‌تر و اثرگذارتر است. نسل جوان باید در زمینه اقتصاد کشور فعالیت گسترده داشته باشد تا ضمن تأمین نیازهای ضروری مردم، استقلال کشور را تضمین کند.

علامه طباطبایی می‌فرماید:

بر جوانان جامعه اسلامی به حکم فطرت واجب است که همیشه و در هر حال تا آنجا که می‌توانند و به همان مقداری که احتمال می‌دهند دشمنان مجهز باشند، جامعه خود را مجهز کنند؛ زیرا دشمن منافع جامعه اسلامی، دشمن منافع تمامی افراد مسلمان است و بر همه واجب است که قیام کنند و دشمن را از خود و از منافع خود دفع کنند. (طباطبایی، 1375: 9: 151)

به نظر علامه طباطبایی:

نظام آفرینش بر اساس کار و فعالیت استوار است و کار و تلاش، تنها ضامن بقای هر آفریده‌ای است. انسان موجودی است که نیازهایش به مراتب از نیازهای دیگر مخلوقات بیشتر است، از این رو کار و فعالیت بر بشر لازم شده است. جوان باید متناسب با ذوق و استعداد خود، یکی از این همه حرفه و صنعت را که خدای متعال، فکر انسان را به سویی آنها هدایت فرموده است، انتخاب کند و از این راه، هم رزق و روزی خود را به دست آورد و هم باری از بارهای اجتماع را به دوش کشد و در آسودگی مردم سهیم شود. جوان بی‌کار، ارزش ندارد و اسلام از بی‌کاری و تنبلی به شدت نهی کرده است. جوان باید با فعالیت و تلاش، نیازهای فردی، خانوادگی و اجتماعی خود را تأمین کند. (طباطبایی، بی‌تا: 204)

کار و کوشش، راهی است که خدا پیش پای جوان نهاده است تا او با پیمودن آن، سعادت زندگی خود را بیابد؛ زیرا انحراف از مجرای خلقت و طبیعت - اگر چه بسیار کم باشد - به ضرر انسان تمام خواهد شد. تأکیدهای مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های خود در چند ساله اخیر بر اقتصاد و نیز نام‌گذاری سال 1390 به جهاد اقتصادی، مسئولیت و وظیفه نسل جوان را دوچندان می‌کند و جهاد و تلاش جوانان و دیگر آحاد ملت در زمینه‌های اقتصادی را می‌طلبد. اقتصاد عرصه‌های گوناگونی دارد و جوانان می‌توانند در همه آن عرصه‌ها نقش آفرینی کنند و در این میان، نقش تولید به ویژه تولید محصولات کشاورزی تأثیرگذارتر است. امروزه تولید محصولات کشاورزی، می‌تواند جامعه را از وابستگی به بیگانگان نجات و آن را در مسیر رشد و ترقی و توسعه همه‌جانبه قرار دهد. خودکفایی در نیازمندی‌های زندگی و دست‌یابی به استقلال سیاسی کشور، با پیشرفت در تولیدات کشاورزی ارتباط مستقیم دارند؛ زیرا فرآورده‌های کشاورزی، بخش بزرگی از نیازهای جامعه را تأمین می‌کند. اگر جامعه‌ای در محصولات پر مصرف کشاورزی به خودکفایی برسد، بی‌شک در بسیاری از جنبه‌های سیاسی و اجتماعی به استقلال خواهد رسید.

به همین دلیل است که در آموزه‌های دینی اسلام، کار کشاورزی اهمیت بالایی دارد. کشاورزی کار انبیا بود. امام علی علیه السلام در کنار کارهایی چون قضاوت و تعلیم و تعلم به کارهای اقتصادی اهمیت می‌داد و کشاورزی، نمونه بود. خود در احیای زمین می‌کوشید و دیگران را نیز به کاشتن بذر و درخت‌ها تشویق می‌کرد. امام صادق علیه السلام نیز درباره اهمیت کشاورزی می‌فرماید:

ما فی الأعمال شیء أحبّ إلی الله تعالی من الزراعة و ما یبعث الله نبیاً الا زراعاً الا ادریس قائم کان خیاطاً.

شغلی نزد خدای بزرگ محبوب‌تر از کشاورزی نیست و خداوند پیامبری را نفرستاد مگر آنکه او کشاورز بود، جز ادریس که حرفه خیاطی داشت.

(محمدي ري شهري، 1380: 509)
همچنين پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله فرموده است: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ ثَرَاباً تَمَّ إِفْتَقَرُ فَأَبْعَدَهُ اللهُ؛ كَسِيَّ كَهْ آبٍ وَ خَاكٍ دَارِدٍ، وَلِيَّ بِهِ دَلِيلُ كَارِ نَكْرَدَنِ فَقِيرٍ
مي‌شود، از رحمت خداوند به دور است». (حر عاملي، 1402: 17: 40)

// 5. ویژگی‌های جوان

شناخت ویژگی‌های جسمی، روحی و روانی جوانان، بسیار ضروری است؛ زیرا شناخت این ویژگی‌ها به ما کمک می‌کند زمینه را برای تأمین نیازها و پرورش نسل جوان فراهم آوریم. برخی از این ویژگی‌های مهم عبارتند از:

// الف) نشاط و شادابی

سرزندگی، تحرک داشتن و توان زیاد، یکی از ویژگی‌های جوانی است. اسلام نیز نشاط و شادابی جوان را تأیید و به استفاده درست از آن سفارش کرده است. امام علي عليه السلام در پاسخ به پیشنهاد غلامش قنبر که گفت: شما بیشتر از من سزاوار پوشیدن پیراهن گران قیمت هستید، فرمود: «تو نوجوان هستی و نشاط جوانی داری و من از خدا حیا می‌کنم که در این زمینه بر تو برتری جویم». (مجلسی، 1403: 144)
حضرت علي عليه السلام، پیراهن بهتر و زیباتر را به غلامش داد تا روحیه نشاط جوانی او حفظ شود. این رفتار ایشان با يك جوان پرتوان و سرزنده، درسی برای همه پیروان اوست تا حالت شور و نشاط جوانان را در نظر بگیرند و آن را پرورش دهند.

// ب) خلاقیت و نوآوری

زمینه‌های خلاقیت و نوآوری، از ابتدای زندگی در فرد وجود دارد و خود را در بازی‌های کودکانه نشان می‌دهد و به تدریج در سنین بالاتر نوجوانی و جوانی شکوفا می‌شود و در فاصله سنی سی تا چهل سالگی، به بالاترین اندازه خود می‌رسد.
بنابراین، خلاقیت از ویژگی‌های نسل جوان است و جوانان با اندیشه و فعالیت پی‌گیر، به ابتکارها و اختراعاتی دست می‌یابند که البته اولیا و مربیان نیز وظیفه تقویت آن را بر عهده دارند.
روان‌شناسان و جامعه‌شناسان نیز بر اهمیت خلاقیت در فرد و جامعه تأکید و به زمینه‌سازی برای تربیت نیروهای فعال و خلاق سفارش کرده‌اند. علم، هنر و تکنولوژی محصول فرآیند خلاقیت هستند؛ زیرا میان خلاقیت و رشد مادی و معنوی جامعه، رابطه مستقیم برقرار است. (شعاری‌نژاد، 1372: 572)
یعنی هر چه فرآیند خلاقیت در افراد پرورش یابد و تولید و نیروی خلاق در اجتماع افزایش پیدا کند، ضریب پیشرفت جامعه بالا می‌رود. نیروهای خلاق، با نوآوری همواره محصولات جدیدی تولید می‌کنند که در ادامه باز سطح علمی و نوآوری جامعه را افزایش می‌دهد و موقعیت جهانی آن را بهبود می‌بخشد.
جوانان مستعد و مبتکر و خلاق نیز دارای ویژگی‌هایی هستند که آنها را از دیگران متمایز می‌کند. آنان معمولاً امور پیچیده را بر امور عادی ترجیح می‌دهند، انعطاف پذیرند و به تحلیل و بررسی مسائل پیرامون خود علاقه مند هستند. (همان: 590)

// ج) بلندهمتی

شایسته است همه مردم همت عالی داشته باشند؛ چون این ویژگی موجب رشد و پیشرفت انسان و جامعه انسانی می‌شود. با این حال، نهادینه شدن این خصلت در نسل جوان، بیشتر انتظار می‌رود؛ زیرا آنان در شرایطی هستند که بهتر می‌توانند نقش آفرینی کنند و طرح‌ها و کارهای بزرگ را به سامان برسانند.
افق همت انسان باید فراتر از امور شخصی باشد و بیشتر به سویی منافع اجتماعی مایل شود؛ زیرا جامعه پیشرفت نمی‌کند، مگر با اجرای طرح‌های بزرگ ملی که جوانان بیش از دیگران شایسته انجام دادن آن هستند. نسل جوان، نیروی فعال جامعه را تشکیل می‌دهند و بهتر می‌توانند از نظر فکری و عملی، افق آینده جامعه را مطالعه و برای بالندگی آن برنامه‌ریزی کنند. بنابراین، اگر بلندهمتی جوان در مسیر درست قرار بگیرد، به ترقی جامعه کمک می‌کند.
رسول خدا صلي الله عليه و آله در این زمینه می‌فرماید: «چقدر خیر و نیکی دور است از کسی که همتش شکم و شهوتش باشد.» (محمدي ري شهري، 1380: 526) چنین آدمی تمام همت و توانش را صرف لذت‌خواهی، خوش‌گذرانی و هوس‌رانی می‌کند و دیگر امور مهم هرگز به فکرش نمی‌آید یا با بی‌توجهی از کنار آن می‌گذرد.
حضرت علي عليه السلام می‌فرماید: «کارهای خوب و زیبا از بلندهمتی ریشه می‌گیرند». (همان)
آن امام بزرگوار در حدیثی دیگر فرموده است: «مَنْ لَمْ يَجْهَدْ نَفْسَهُ فِي صَغِيرِهِ لَمْ يَنْلُ فِي كِبَرِهِ؛ كَسِيَّ كَهْ آبٍ وَ خَاكٍ دَارِدٍ، وَلِيَّ بِهِ دَلِيلُ كَارِ نَكْرَدَنِ فَقِيرٍ، دَر بزرگی به شرافت نمی‌رسد». (تمیمی آمدی، بی‌تا: 443)

// د) توان جسمی

جوانی، دوره رشد و شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های وجودی انسان است و توانایی‌های آدمی در این مرحله از زندگی به رشد و بالندگی مطلوب خود می‌رسد. توان جسمی جوان انکارناپذیر است. با این حال، مسئله مهم، چگونگی بهره‌برداری از نیروی جوانی است و اینکه جوان، آن توان جسمی را در چه مسیری به کار می‌گیرد.
بیشتر داستان‌های قرآنی نشان می‌دهند که همه انبیا و اوصیای الهی نیز در دوران جوانی، از توان جسمی و روحی بالایی برخوردار بودند و آن توان را در جهت هدایت و تربیت مردم به کار می‌بستند.
روایت است حضرت علي عليه السلام همواره از خداوند نیرو و توان جسمی طلب می‌کرد تا در راه خدمت به خدا و خلق خدا قدم بردارد. ایشان در دعای کمیل می‌فرماید: «يَا رَبِّ! قُوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَ اشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي؛ پروردگارا! اندام مرا برای خدمت‌گزاریات توانمند ساز و

دروم را در تصمیم‌گیری قوی دار».

بدین ترتیب، بر اساس راهنمایی‌های معصومان علیهم السلام تقویت جسمی و توانایی‌های بدنی از راه‌های مشروع، مانند ورزش، پیاده‌روی، شنا، اسب سواری و... مجاز است و بر آن تأکید می‌شود. بدون شک، این نیرو را باید در سازندگی به کار گرفت و در پرتو آن برای نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و ترویج اخلاق اسلامی در جامعه کوشید. بدیهی است، این کار، از جوانان و نسل جوان شایسته‌تر است؛ زیرا آنان می‌توانند گام‌های مؤثرتری در این زمینه بردارند. به هر صورت، توان جسمی از ویژگی‌های آشکار جوان است که باید ارزش آن را درک و در مسیر درست و شایسته از آن استفاده کند. تلاش و کار، سبب نجات انسان از سختی‌هاست و ساختن نفس، موجب پاک‌ی و پالایش درون از سستی و افسردگی و عامل پیشرفت و پیروزی است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «إِنَّ كُنْتُمْ لِلنَّجَاةِ طَالِبِينَ، فَارْقُضُوا أَلْفَ لَآلِهَ وَ أَلْهَوْا الْجَهَادَ وَ الْجِدَّ؛ اگر طالب رستگاری و نجاتید، غفلت و بیهودگی را رها کنید و همیشه در پی کوشش و تلاش باشید». (نوری طبرسی، 1408 - 1409: 12: 157)

// ۵) جوانی، آغاز مسئولیت‌پذیری

ورود به مرحله تکلیف‌پذیری و بر عهده گرفتن مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، با دوره جوانی هم‌زمان است؛ زیرا جوان در این دوره به رشد لازم برای انجام دادن وظایف دینی و انسانی می‌رسد و می‌تواند به مسئولیت‌های خود عمل کند. از نظر روان‌شناختی و تربیتی، آماده‌سازی فرزندان برای پذیرش مسئولیت، مهم است؛ زیرا اگر پدر و مادر پیش از دوره جوانی پذیرش مسئولیت و احساس وظیفه در قبال دیگران را به فرزندان‌شان نیاموزند، طبیعی است که فرزندان هنگام رو به رو شدن با آن مسائل، دچار مشکل خواهند شد.

// (و) آرزومندی

آرزو، نقش مهمی را در مسائل مهم زندگی جوان ایفا می‌کند، به گونه‌ای که اگر جوان به آینده امیدوار نباشد، چرخ زندگی‌اش از کار می‌افتد. بنابراین می‌توان گفت آرزو، لازمه زندگی و پیش‌نیاز کار و کوشش و کمال جوان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آرزو به «رحمت» تعبیر می‌کند و می‌فرماید: «آرزو، برای امت من رحمت است. اگر آرزو نبود، هیچ مادری به فرزند خویش شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی در زمین نمی‌نشاند». (مجلسی، 1403: 74: 175)

اگر چه آرزو ابعاد مثبتی دارد، باید توجه داشت که غرق شدن در آرزو، جوان را از واقعیت دور می‌کند و از او عنصری خیال‌پرداز و بدون عمل می‌سازد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «آرزوهای طولانی، موجب فراموشی آخرت است و تکیه کردن بر آرزوها کار احمقان است و خردمند کسی است که از تجربه‌ها بهره ببرد». (شهیدی، 1374: نامه 31)

همچنین حضرت علی علیه السلام در دعای کمیل برای آرزو، حجت و غایت تعیین می‌کند و خطاب به خداوند متعال می‌فرماید: «يَا غَايَةَ أَمَالِ الْعَارِفِينَ!» آرزوی عارفان، مسائل جزئی و زودگذر نیست، بلکه در پس هر آرزویی محبوب همیشگی جلومگرمی می‌کند. اگر آرزوها را با خداوند پیوند بزنیم، کمال پیدا می‌کنیم، ولی خیالات موهوم دنیوی، بصیرت و واقعیت را از بین می‌برد.

// 6. آثار کار، تلاش و جهاد اقتصادی در جوانان

// الف) حفظ سلامت جسم، مقدمه سلامت روان جوان

کار، عاملی مهم در ایجاد و حفظ سلامت جسمانی انسان است و در نتیجه، به صورت غیر مستقیم، ضامن پیش‌گیری از بسیاری بیماری‌های روحی و اخلاقی خواهد بود.

بنابراین، برای جوانانی که خواهان بدنی سالم هستند، کار و تحرک و فعالیت، در حکم نسخه‌ای شفابخش خواهد بود، چنان که حضرت علی علیه السلام فرموده است: «هر کس کار کند، نیرویش افزون‌تر می‌شود و هر که در کار کردن کوتاهی نماید، سستی او افزایش می‌یابد». (حکیمی، 1368: 5: 446)

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز برای تندرستی، 10 جزء شمرده و فرموده است که 9 جزء آن در کار و تلاش برای کسب درآمد و تأمین هزینه‌های زندگی است و یک بخش آن در دیگر امور است. (هندی، 1409: 4: 6: 9208)

گفتنی است با داشتن جسم سالم، زمینه برای روح و عقل سالم نیز آماده می‌شود، همان گونه که در مقابل، جسم بیمار و ناسالم می‌تواند بستری برای بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی و روانی باشد.

ویل دورانت می‌گوید: «تندرستی، در کار کردن است و از این روی به جوانی، لطف و زیندگی می‌بخشد. سرّ لطف و زیندگی، در کار کردن است و اشتغال، نیمی از رمز خرسندی و خشنودی است. از خدا مال و منال نخواهیم، بلکه توفیق در کار و عمل بخواهیم». (دورانت، 1344: 460)

// ب) احساس شخصیت و عزتمندی در جوانان

یکی از ویژگی‌های دوران جوانی، احساس شخصیت و عزتمندی است. جوان دوست دارد در جامعه او را بپذیرند و دیگران او را محترم بشمارند. از این رو، اهل بیت علیهم السلام که خود عزتمندترین انسان‌ها بوده‌اند، همواره پیروانشان را به ارزش والا و سرافرازی نفس و حفظ آن سفارش کرده و هرگز به آنها اجازه ندادند که خود را خوار و حقیر سازند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «خداوند به مسلمان چنین اختیاری نداده است که خود را ذلیل و خوار کند». (کلینی، 1362: 5: 63)

حضرت علی علیه السلام فرموده است: «بِكَ سَاعَتِ ذُلِّتْ، بَا عِزَّتِ تَمَامِ دَوْرَانِ زَنْدِگِیِّ بَرَابَرِیِّ نَمِی‌کَنْدِ». (تمیمی آمدی، بی‌تا: 1: 434) گفتنی است که دستیابی به گوهر عزت نفس، پای بندی به اصول و شرایطی را می‌طلبد که از مهم‌ترین آنها، اهل کار و تلاش بودن در زندگی است. هیچ جوانی با تنبلی و سستی نمی‌تواند زندگی آبرومندانه و شرافتمندی برای خویش فراهم آورد و نزد دیگران عزیز و سربلند شود. امام موسی کاظم علیه السلام در این باره می‌فرماید:

از مردم قطع امید کردن و از ثروتمندان چشم پوشیدن و به درآمد کار و اشتغال خود قانع بودن، برای مردم بالیمان، عزت دینی و روح جوانمردی و شرف دنیوی است. چنین انسانی در نظر مردم، بزرگ و بین خویشاوند خود، محترم و در محیط خانوادگی، دارای هیبت و عظمت خواهد بود. او در ضمیر خود و در نزد دیگران بی‌نیازترین و عزیزترین مردم است. (مجلسی، 1403: 72: 108: 49: 11)

به عقیده موریس روزنبرگ، روان‌شناس، یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده رشد حرمت خود و شخصیت، این است که تا چه اندازه با دیگران و محیط اجتماعی سازگاری دارد، و تا چه حد از مقبولیت، محبوبیت برخوردار است. (بیابانگرد، 1378: 121)

شهید مطهری نیز با توجه به تقابل آثار کار و بی‌کاری می‌گوید:

در مقابل کار، بی‌کاری است که کوچک‌ترین اثرش، این است که احترام و شخصیت انسان را پیش دیگران و پیش خودش از بین می‌برد و همین در هم شکستن شخصیت انسان، سبب می‌شود که تن به هر پستی و بیچارگی بدهد. (مطهری، 1373: 412 و 413)

// ج) کار و تقویت اعتماد به نفس در جوانان

احساس اعتماد به نفس و آرامش روحی که یکی از نیازهای دوران جوانی است، در پرتو اشتغال به کار و حرفه به دست می‌آید. جوان بر اثر کار و تلاش به حکم آنکه نیاز مادی و روانی‌اش برطرف شده است، احساس شایستگی، آرامش و اعتماد به نفس می‌کند؛ به ویژه اگر با نوآوری و خلاقیت همراه باشد. چه بسا با پرداختن به کار، خلاقیت‌ها و نبوغ افراد در زمینه‌های جدید کشف شود که هم به پیشرفت جامعه کمک می‌کند و هم خود جوان را از لحاظ علمی و توانمندی‌های کاربردی در مرتبه‌ای بالاتر قرار می‌دهد.

جوان با کار خود به یافته‌های جدید می‌رسد، لیاقت خود را می‌آزماید، ابتکار می‌آفریند و نیروی اعتماد به نفسش تقویت می‌شود.

شهید مطهری در این باره می‌گوید:

وقتی که به نتیجه کار و زحمت توجه می‌کنیم، می‌بینیم که نتیجه کار، تنها خلاصی از فقر و گرسنگی نیست، بلکه چندین چیز دیگر هم به دنبال دارد، از آن جمله اینکه کار او را در نظر خودش محترم می‌نامد؛ یعنی حس احترام به ذات و اعتماد به نفس در او ایجاد می‌کند و بدیهی است که هر چیز که باعث و سبب محترم شدن شخصیت انسان در نظر خودش و دیگران باشد، او خودش محترم و شایسته تکریم و تعظیم است و به همین دلیل است که در اسلام کار، مورد احترام و شایسته تکریم است. (همان: 199 و 200)

// د) پیش‌گیری از پریشانی و افسردگی جوان

«از جمله معضلات جوامع امروزی پریشانی و افسردگی است و ممکن است این خطر جوانان را نیز تهدید کند. اشتغال به کار و تلاش مفید و سازنده، عامل بازدارنده‌ای در مقابل این معضل است. بی‌کاری یا از کارافتادگی، یکی از مشکلات اساسی جوان در زندگی فردی و اجتماعی و از عوامل پریشانی و افسردگی است. بی‌کاری فقط ضرر اقتصادی به فرد و جامعه ندارد، بلکه ضرر بزرگ‌تر آن، به روح و روان آدمی است.» (میلانی‌فر، 1374: 199)

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «آن که از کار و تلاش کوتاهی ورزد، به اندوه و غم دچار می‌گردد.» (شهیدی، 1374: کلمات قصار ش 118)

از سوی دیگر، با کار و تلاش، روح و جسم انسان از ضعف و ناراحتی پاک می‌شود. امام صادق علیه السلام با توجه به این نکته می‌فرماید: «اگر تمام نیازمندی‌های مردم (بدون کار و تلاش) بر ایشان تأمین می‌شد، هرگز زندگی‌شان گوارا نمی‌شد و لذت آن را در نمی‌یافتند.» (حکیمی، 1368: 1: 635)

ولتر، نویسنده معروف، می‌گوید: «هر وقت احساس می‌کنم که درد و رنج و بیماری می‌خواهد مرا از پا درآورد، به کار پناه می‌برم و کار، بهترین درمان دردهای درونی من است.» (ذوالفقاری، 1379: 626)

از لحاظ روانی، بی‌کاری و نداشتن فعالیت و اشتغال فکری، موجب کمبود روحی و نیز دشمن سلامت روح است. جوانانی که از فعالیت‌های زیاد و مفید بازمانند، ناچار، مشغولیت‌ها و سرگرمی‌های زیان‌بار برای خود فراهم می‌کنند و به قمار و باده‌گساری و مواد مخدر و تنوع جوی‌های جنسی، خودخوری، حسادت، کینه‌توزی‌های دور از منطق، عیب‌جویی از دیگران و دیگر رفتارهای انحرافی توسل می‌جویند.

درمان کردن بیماران روانی به وسیله کار، تفریح و فعالیت‌های گوناگون، یکی از شیوه‌های مهم تکاپو درمانی به شمار می‌رود. نه تنها حفظ سلامت روح و پیش‌گیری از شبیخون ناراحتی‌های روانی، نیازمند به سرگرمی و فعالیت و اشتغال فکری است، لازمه پرورش استعدادها و رشد درست شخصیت نیز، به کار گماشتن نیروهای فکری و پرهیز از تنبلی فکری است.

// ه) افزایش نشاط و شادی در زندگی جوان

اگر جوانان در زندگی خویش از گوهر کار بی‌بهره باشند و همه نعمت‌ها بدون کمترین تلاش آنها در اختیارشان قرار گیرد، زندگی‌شان بی‌روح و نشاط می‌شود و به تدریج انگیزه ادامه حیات، در وجود آنان از بین می‌رود.

به برکت کار و تلاش، درخت زندگی جوانی، از میوه‌های شاداب و سرسبز بارور می‌شود و در نتیجه، روح و جسم او را از ضعف و ناراحتی پاک می‌سازد.

امام صادق علیه السلام با توجه به این نکته مهم، در سخنی حکیمانه می‌فرماید: «مگر نمی‌بینی هرگاه شخصی مهمان گروهی شود و مدتی نزد آنان بپاساید، به گونه‌ای که تمام نیازهایش همچون غذا و نوشیدنی و خدمات تأمین گردد، خود از بی‌کاری خسته می‌شود و به دنبال کاری می‌گردد تا خود را بدان مشغول دارد! پس چگونه است اگر در سراسر عمر، تمام نیازمندی‌هایش تأمین شده باشد.» (مجلسی، 1403: 3: 86)

// و) تمرکز قوه خیال و تفکر منطقی

اگر جوان، نیروی ذهنی و خیالی خود را درست و منطقی به کارگیرد، به تداعی، تولید و کشف قضایا می‌انجامد که این، همان تفکر و تعقل است، ولی اگر ذهن و خیال خود را در اختیار خویش نگیرد و این قوه را آزاد بگذارد، سرآغاز بسیاری از تصمیم‌های نادرست و انحراف‌های اخلاقی می‌شود.

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «اگر تو نفس را مشغول نکنی، او تو را به خودش مشغول می‌کند.» (همان)

نفس جوان اگر مشغول نباشد، جوان را به خود مشغول می‌کند و اگر صاحبش او را به کاری وادار نکند، او صاحب خود را به آنچه می‌خواهد، و می‌دارد. هنگامی که خیال آزاد باشد، در هر کار انسان دخالت می‌کند و به هر جا می‌رود، تا جایی که خیالات پی‌درپی، سبب آلودگی به گناه می‌شود، ولی اگر انسان با کار و تلاش، فرصت تاخت و تاز را از خیالش بگیرد، دیگر خیال، فرصت نمی‌یابد وی را تحریک کند و به سوی گناه بکشد.

منطقی فکر کردن، بدین معناست که فکر جوان، هدف های خود را از راه هایی بجوید که آن راه ها در طبیعت قرار داده شده است و فکر غیر منطقی، یعنی هدف ها، ایده ها و آرزوها را از راه هایی بجوید که در آفرینش، آن مسیرها به سوی آن هدف ها ختم نمی شود. برای مثال، بدون کار کردن و فعالیت، خواهان برآورده شدن نیاز هایش یا ثروتمند شدن باشد.

جوان، با کار و عمل می تواند به نتایج و سودهای فعالیت خود دست یابد. در عمل، رابطه علی و معلولی را درمی یابد و چون این امر را پیوسته احساس می کند، فکرش با قوانین عالم هماهنگ می شود و دیگر آن فکر، شیطان و خیال و آرزو نیست، بلکه بر پایه آنچه وجود دارد، استوار است؛ یعنی با حساب و کتاب و منطق.

// (ز) تأثیر کار بر رشد عواطف جوان

کار، بر احساس جوان نیز اثر می گذارد و قساوت قلب و خشونت را در او به اندازه طبیعی می رساند یا از بین می برد و قلب و دلش را خاضع و خاشع می سازد؛ در حالی که بی کاری و استفاده از دست رنج دیگران و به بیان دیگر نعمت خوری، نوعی قساوت قلب به انسان می دهد و احساس و عواطف سالم و معتدل را از بین می برد. جوان زحمت کشی که از دسترنج خود روزی می خورد، قلبی حساس و عواطفی سالم دارد، به دیگران ستم روا نمی دارد، مسئولیت شناس است و برای رسیدن به ثمره فعالیتش، به کارش پای بند می ماند و نوعی فروتنی هم در او پدید می آید؛ برخلاف جوان بی کار که برای رفع نیازهای خود، به فریبکاری، ستمگری و زورگویی رو می آورد. بدیهی است چنین روشی، با قلب و دل او چه خواهد کرد.

شهید مطهری در این باره می گوید: «از جمله آثار کار این است که به قلب انسان خضوع و خشوع می دهد؛ یعنی جلوی قساوت قلب را می گیرد. بی کاری، قساوت قلب می آورد و حداقل فایده اش برای قلب انسان این است که جلوی قساوت قلب را می گیرد». (مطهری، 1373: 423)

// (ح) جهت دهی به استعداد های جوان

هر انسانی با ذوق و استعداد های ویژه آفریده شده است و این گونه نیست که در او، استعداد انجام هر کاری و حرفه ای باشد، بلکه هر آدمی به طور طبیعی و فطری، فقط استعداد و ذوق یک یا چند کار را دارد. در این میان، کشف و جهت دهی به استعدادها در دوران جوانی از اهمیت بالایی برخوردار است.

در بیشتر مواقع، جوانان در پی کاری هستند که ذوق و استعداد آن را ندارند و از کاری هم که شایسته آن هستند، سرباز می زنند. کار و حرفه ای که بنا بر استعداد شخص باشد، او را در آن کار به پیشرفت دلخواه می رساند و استعدادش به طور کامل شکوفا می شود. افزون بر آن، رعایت چنین قانونی سبب می شود آن دسته از استعدادها که می تواند منشأ بسیاری از هنرهایها و برکت ها باشد، راکد نماند.

بی تردید، پاره ای از شکست ها و ناکامی های جوانان، نتیجه انحراف از این اصل مسلم است.

کسی که می خواهد استعدادهایش را شکوفا سازد و خواسته هایش را عملی کند، باید با اراده و هدفمند کار و تلاش کند. شخصیت انسان از راه کارهایی که انجام می دهد، کامل تر می شود، بنابراین تنها راه رسیدن به خواسته ها، کار و تلاش است.

// (ط) پیش گیری از فساد و بزه کاری جوانان

به طور کلی توسعه و رشد، در گرو کار و تلاش و کوشش است. جامعه ای هم که از تلاش و سخت کوشی روی گردان باشد، چاره ای جز پذیرش فقر و بدبختی نخواهد داشت.

فرد و جامعه ای که نتواند از کار و تلاش خود حمایت کند و اقتصاد و اجتماع خود را سامان دهد، سرانجام پذیرای فقر و تهیدستی خواهد شد.

از سوی دیگر، اراده الهی بر کار و تلاش سازنده و فعالیت انسان ها در زندگی دنیوی آنان تعلق گرفته است و فساد و تباهی در زندگی فردی و اجتماعی، در پی سستی و بی کاری به وقوع خواهد پیوست. کار و تلاش، گوهر ذاتی انسان و مایه عزت و کرامت آدمی و سبب دوام زندگی اوست. بنابراین، سعادت مندی و رسیدن به کمال مطلوب، در پی کار و تلاش و کوشش فراهم می شود.

هر قدر جامعه ای کوشا تر و بر مشکلات صابرتر باشد، ماندگارتر و باثبات تر خواهد بود، همچنان که به هر مقدار از تلاش خود بکاهد و به سستی و تنبلی روی آورد، از میزان دوام و پایداری او کاسته خواهد شد.

کار و اشتغال، از انحراف های اخلاقی و تربیتی پیش گیری می کند و مانع انباشته شدن توان که منشأ انحراف است، می شود و آن را مهار می کند. بی کاری و راحتی مطلق، زمینه ایجاد انحراف های اخلاقی را به ویژه در جوانان به وجود می آورد و برخلاف اشتغال، بستر گناه را آماده می سازد. بی کاری و نبود اشتغال، در عین حال که موجب سرگردانی و بدون تکلیف بودن انسان ها می شود، به تدریج ناامیدی و سرخوردگی را در آنان پدید می آورد و موجب می شود آنها به کنج خلوت و انزوا پناه ببرند و راهی برای مشغولیت خود بجویند. این مشغولیت در بسیاری از موارد، به انحراف های اخلاقی، به ویژه انحراف های جنسی در نوجوانان و جوانان منجر می شود.

بی کاری عزت نفس را در جوانان پایین می آورد. کسی که عزت نفس کمی دارد، بیشتر به گناه رو می کند و در مقابل، کسانی که دارای عزت نفس و حرمت بالایی هستند کمتر به سوی انحراف ها گرایش دارند.

حضرت علی علیه السلام درباره نداشتن برنامه برای اوقات فراغت، می فرماید: «اگر ذهن و قلب انسان، رها و بدون برنامه باشد، به وسوسه های بد و شیطانی گرفتار می شود و اگر فعالیت های جسمانی و بدنی در انسان دچار رکود و تنبلی شوند، راه برای ارتکاب گناهان باز خواهد شد». (ابن ابی الحدید، 1404: 20: 303)

اگر زمینه صرف انرژی فرد از راه کار و اشتغال فراهم شود، فرد به تعادل و آرامش می رسد و دیگر توانی باقی نمی ماند که او را به انحراف های اخلاقی بکشاند.

حضرت علی علیه السلام در این باره نیز فرموده است: «اگر سرگرم شدن به کاری موجب سختی و رنج است، پس فراغت همیشگی، موجب فساد و تباهی است». (ابن فراس، 1376: 2: 134)

در جایی دیگر حضرت علی علیه السلام خطاب به فرزندش، امام حسن علیه السلام می فرماید: «فرزندم انسانی را که به دنبال روزی و رزق خویش است، ملامت مکن؛ زیرا کسی که هیچ ندارد، لغزش هایش بسیار خواهد بود». (ابن ابی الحدید، 1404: 74: 421)

شهید مطهری در این باره می نویسد:

از رابطه کار با تهذیب اخلاق و رابطه بی کاری با فساد اخلاق و هرزگی روح و فکر و احساسات، نباید غافل بود. آدم بی کار اگر غیبت نکند و به تعبیر

قرآن کریم اگر گوشت مردار نخورد، پس چه بکند؟ روح آدمی نیز مانند معده‌اش غذا می‌خواهد؛ اگر غذای کافی نرسید، به هرچه رسید رجوع می‌کند، ولو با چیزی که مورد تنفر باشد. (مطهری، 1373: 418)

// 7. موانع کار و تلاش در جوانان

// الف) خستگی و بی حالی

یکی از موانع کار، خستگی و کسالت است. نباید به سبب کسالت، دست از کار برداریم؛ زیرا کسالت در بسیاری از موارد، کسالت کاذب است نه واقعی. پس در صورتی که واقعاً بی حال و کسل هستیم، می‌توانیم با ایجاد تنوع در کارها بی کار ننشینیم. حضرت علی علیه السلام به امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «ای فرزندی، تو را وصیت می‌کنم به عمل در حال نشاط و بی حالی». (حرانی، 1382: 88) این سخن حضرت نشان می‌دهد در صورتی که انسان از کاری خسته شد، نباید به دلیل خستگی و آزدگی بی کار بنشیند، بلکه در آن حال نیز باید به کار دیگری بپردازد. چه بسا که با تحول در کارها و یکنواخت نبودن آنها، انسان از گرفتگی و دل آزدگی رها شود و دوباره نشاط خود را در انجام کار و برنامه به دست آورد. بنابراین، می‌توانیم با ایجاد تنوع و تحول در کار و یکسان و یکنواخت نکردن برنامه، هم به کار و فعالیت خود ادامه دهیم و هم خستگی و ملالت را از خود دور کنیم.

// ب) اراده سست و متزلزل

هر اقدام انسان، محصول عقیده و عزم و اراده اوست و اگر این دو سست و کم اهمیت باشند، کار نیز ضعیف و کم ارزش خواهد بود. افراد سست اراده وقتی تصمیمی می‌گیرند، گرفتار تردید و تزلزلند و با یک جمله دیگران، عقیده و نقشه خود را تغییر می‌دهند. افراد سست اراده به علت نداشتن قاطعیت، هیچ کاری را تا نتیجه نهایی دنبال نمی‌کنند، مثلاً اگر فایده‌های شغل و حرفه‌ای توجیهشان را جلب کند، با علاقه و اشتیاق فراوان، مدتی به آن کار مشغول می‌شوند، ولی همین که با دشواری‌هایی روبه رو شوند، علاقه و رغبتشان از بین می‌رود و دچار دلسردی شکنده‌ای می‌شوند. بدون شک، جوان سست اراده در زندگی‌اش با شکست روبه رو می‌شود و استعداد و نبوغ او نمی‌تواند جای اراده نیرومندش را بگیرد. دانش و معلومات به تنهایی کافی نیست، مگر آنکه شخص این سرمایه را به کمک اراده در راه رسیدن به هدف خود به کار گیرد.

// ج) به تأخیر انداختن کارها از سوی جوانان

نفس راحت طلب آدمی به ویژه جوان به طور طبیعی تمایل به راهی از زحمت تلاش و کار سخت را دارد، غافل از آنکه تأخیر در انجام دادن کار و آنگارن به آینده، چیزی را عوض نخواهد کرد و حتی ممکن است آینده‌ای وجود نداشته باشد. در این باره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوزر می‌فرماید: ای ابوزر، زنهاری که بر اثر آرزو، کار امروز را به فردا افکنی؛ زیرا تو در امروز به سر می‌بری، نه در فردا، چه اگر فردایی برای تو بود، در فردا نیز چنان باشی که امروز بوده‌ای و اگر فردایی در کار نبود، به سبب کوتاهی کردن در کار امروزت، پشیمان شوی. (مجلسی، 1403: 73: 75: 39)

// د) روحیه خوش‌گذرانی و راحت طلبی

جوانی که می‌خواهد به هدف‌های بلند دست یابد و در کار خود موفق باشد، باید ضعف و سستی را کنار بگذارد و با هواهای نفس به مبارزه برخیزد و اجازه ندهد که این هواهای نفسانی، او را به سوی لذت‌های نامشروع و خوش‌گذرانی‌های بی‌بیهوده و کم ارزش بکشاند. لذت‌های زودگذر با فریبندگی و جذابیت دروغین، لحظه‌های ناب زندگی جوان را شکار می‌کند و با غافل ساختن او فرصت‌هایش را تباه می‌کند و زمانی جوان متوجه می‌شود فرصت‌های فراوانی را از دست داده که خیلی دیر شده است.

// ه) نداشتن وجدان کاری

اخلاق و انسانیت، آدمی را وادار می‌کند به کسانی که به او اعتماد کرده‌اند، خیانت نکند و کم کاری را روا نداند. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «فریب دادن کسی که تو را امین می‌داند، ناسپاسی است». (محمدی ری شهری، 1379: 9: 166) همچنین ایشان مردم را به کوتاهی در کار هشدار می‌دهد و می‌فرماید: «آن که در کار کوتاهی ورزد دچار اندوه می‌گردد». (شهیدی، 1374: 383: 127) گاهی برخی از افراد احساس می‌کنند که هیچ فردی ناظر بر کارهای آنها نیست، بنابراین به تنبلی و سستی رو می‌آورند و از یاد می‌برند که عالم محضر خداست و نمی‌توان دور از نگهبانان الهی، به تن آسایی روی آورد. ضمن آنکه لازم است بدانیم، از دست دادن فرصت‌ها و کم کاری در امور، نتیجه‌ای جز پشیمانی و عذاب وجدان ندارد؛ آفتی که حضرت علی علیه السلام توجه آدمی را به آن جلب می‌کند و می‌فرماید: «هر کس به طور عمد در کار خود کوتاهی کند، به اندوه و ناراحتی گرفتار می‌شود». (ابن ابی الحدید، 1404: 18: 317)

// 8. جوان و جهاد اقتصادی از دیدگاه رهبر

// الف) آینده بهتر و برتر با تلاش جوانان

«جامعه جوان کشور ما، جامعه بسیار خوبی است. استعدادها طبیعی است و فضا، فضای حرکت و نشاط و تلاش است. البته دشمن خیلی تلاش می‌کند برای اینکه جامعه جوان ما را از کار بیندازد؛ ریزش‌هایی هم یک گوشه‌هایی داریم، اما رویش‌ها به مراتب بیشتر از ریزش‌هاست. جوان‌های ما خوبند، ان شاء الله پیش هم می‌روند و من مطمئنم شما دنیای عالی را که محصول تلاش امروزتان هست، خواهید دید و تجربه خواهید کرد.» (سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی دانش آموزان سراسر کشور، 19/2/1386)

// ب) ارزشمندی جوانان بانشاط برای کشور

«ما در زمینه پزشکی، فیزیک، ادبیات و برخی از رشته‌های علوم انسانی و فلسفه، شخصیت‌های برجسته‌ای را در کشور داریم که کشور به اینها افتخار می‌کند. افتخار این است که کسی بتواند در داخل کشور خودش، برای کشورش پیشرفت، اعتلا، ترقی، آبرو و جبران عقب ماندگی‌ها را به وجود بیاورد. بنابراین، اگر کسی با این نیت، چه در اینجا درس بخواند و چه در بیرون - هر درسی که بخواند و در هر رشته‌ای که کار کند - این می‌شود یک موجود ارزشمند. به هر حال، هدف گذاری، سیاست گذاری و اجرای چنین مقوله‌هایی در همان بنیادی که اشاره شد، می‌تواند تحقق پیدا کند.» (سخنرانی در دیدار با جوانان نخبه و دانشجو، 5/7/1383)

// ج) کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر جوانان با روحیه جهادی

«من جوانان عزیز را به یک مجاهدت حقیقی دعوت می‌کنم. مجاهدت، فقط جنگیدن و به میدان جنگ رفتن نیست؛ کوشش در میدان علم، اخلاق، همکاری‌های سیاسی و تحقیق نیز برای مردم جهاد محسوب می‌شود. ایجاد فرهنگ و اندیشه صحیح در جامعه نیز جهاد است. اینها، همه جهاد در راه خدا و جهاد فی سبیل الله است. طرف این جهاد، مستکبران، دشمنان و کسانی هستند که با اسلام، ایران، هویت، ملیت، اسلامیت و صنعت‌های اسلامی عناد و دشمنی دارند.» (سخنرانی در دیدار جوانان استان سیستان و بلوچستان، 6/12/1381)

// د) اعتماد به جوانان با استعداد

«در بخش انرژی هسته‌ای که این همه دنیای استکبار را سراسیمه کرده، اکثر کسانی که در آنجا مشغول کار هستند، جوان‌های تحصیل کرده‌اند؛ صدها جوان کم‌سال و تحصیل کرده، این چرخ را می‌چرخانند و این عزت را برای کشور پدید آورده‌اند. در همه بخش‌ها همین طور است. به نیروهای بااستعداد، چه از جوان‌ها باشند و چه از انسان‌های باتجربه، اعتماد کنند. اعتماد به این افراد و توکل به خدای متعال و اخلاص نیت برای خدا، اساس کار است.» (همان)

// ه) نقش جوان در برپایی نظام مقتدر

«برای یک ملت هوشمند و مستقل که به سوی قله‌های آرمانی خود در حرکت است، از همه چیز ارزشمندتر حضور جوان‌هایی است که نیروی جوانی و نشاط خود را در خدمت عزت و ایمان و شرف و استقلال ملی خود به کار می‌گیرند و ملت ما از این نعمت بزرگ در سال‌های گذشته و امروز، همواره برخوردار بوده و هست. امروز نیز صفا و اخلاص و ایمان جوانان، بزرگ‌ترین ذخیره این ملت است.» (پیام مقام معظم رهبری به مناسبت دهه فجر، 17/11/1381)

// و) دانشمندان جوان، مایه افتخار کشور

«جوان‌های عزیز! این کشور مال شماست، فردا متعلق به شماست. یک نظام مقتدر - چه اقتدار علمی، چه اقتدار سیاسی، چه اقتدار اقتصادی، چه اقتدار اطلاعاتی، چه اقتدار تحرک در مناطق گوناگون جهان و اقتدار بین‌المللی - مایه عزت شماست، مایه افتخار شماست و شما باید برای تکمیل و تنمیه چنین نظامی تلاش کنید و احساس وظیفه کنید. جوان‌ها وظیفه دارند.» (سخنرانی در خطبه‌های نماز جمعه تهران، 20/6/1388)

// ز) مجاهدت حقیقی، تلاش در میدان علم و اخلاق و فرهنگ

«ما از اول انقلاب، هر کار بزرگی که توانستیم انجام بدهیم، به برکت اعتماد نفس و بلندپروازی و کار جهادی بوده است. جوانان جهاد سازندگی آن روزی کارهای بزرگ را در این کشور شروع کردند که حتی آن کسانی که جلوی چشمشان این کارهای بزرگ انجام می‌گرفت، باور نمی‌کردند که جوان ایرانی قادر به این کارهاست. در سال‌های اول انقلاب، این جوانان جهاد دانشگاهی آمدند و گفتند، امام دستور داده‌اند مردم گندم بکارند، در هر بخشی از بخش‌های گوناگون صنعتی و فنی و علمی و تحقیقاتی که ما با روحیه جهادی وارد شدیم، پیش رفته‌ایم. روحیه جهادی یعنی چه؟ یعنی اعتقاد به اینکه ما می‌توانیم، و کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه ظرفیت وجودی و ذهنی و اعتماد به جوان‌ها.» (سخنرانی در دیدار با کشاورزان، 14/10/1384)

// 9. رسانه، جهاد اقتصادی، راه کارها

جهاد اقتصادی، فصل تازه‌ای برای ایجاد حرکتی ماندگار در تحقق رفاه و استقلال اقتصادی است که اهل رسانه، بیش از هر کس باید آن را فرصتی مغتنم برای اثرگذاری و خدمت رسانی بدانند.

نام‌گذاری جهاد اقتصادی، نشان‌دهنده ضرورت تلاش عملیاتی همه نهادهای کشور در راه پیشبرد اقتصادی است و مسیر حرکت تمامی دستگاه‌های دولتی و غیردولتی و نیز مسئولان و آحاد مردم را تعیین می‌کند. توجه به این مسئله ضروری است که مجاهدت اقتصادی بیش از آنکه یک مقوله اقتصادی باشد، نیازمند پیش‌زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی است و به دیگر سخن، بسترهای فرهنگی جدیدی را می‌طلبد.

در این میان، صدا و سیما به عنوان یک نهاد فرهنگ‌ساز که نقش محوری در ایجاد زمینه‌ها و اقتضائات فرهنگی ایفا می‌کند، لازم است نخست مفاهیم و ابعاد جهاد اقتصادی و مصداق‌های آن را برای همه بخش‌ها و قشرهای مختلف مردم به ویژه نسل جوان که نیروی فعال و پرنشاط هستند، روشن کند. از سوی دیگر وجود انگیزه‌ها و پتانسیل بالایی جوانان، یک فرصت بسیار ارزشمند به شمار می‌آید که رسانه ملی می‌تواند به خوبی از این فرصت بهره‌برداری کند.

وجود دانشمندان جوان در بخش‌های هسته‌ای، نانو و ... و نیز وجود بسیاری از مدیران جوان و موفق، نشانه خوبی است که انتخاب مناسب و به کارگیری درست و شایسته جوانان در امور مهم و دادن اختیاراتی متعادل و طبیعی به آنان، تا چه اندازه می‌تواند تعیین‌کننده باشد. در واقع جوانان متعهد و باانگیزه، از ارزشمندترین سرمایه‌های اجتماعی به شمار می‌آیند، به ویژه که بخش بزرگی از آنان تحصیل کرده و با دنیای کنونی آشنا هستند و به فراگیری دانش و تحصیل نیز علاقه‌مندند.

در این میان، یکی از وظایف رسانه ملی، تبیین وجود انگیزه‌ها و پتانسیل بالایی کار و تلاش در جوانان و تهییج و برانگیختن احساس و ایجاد شور در نسل جوان در راه رسیدن به پیشرفت اقتصادی است.

موارد دیگری که در برنامه‌سازی می‌توانند محور قرار بگیرند، عبارتند از:

- تحقق ارزش‌های اخلاقی در رفتارهای اقتصادی اسلامی برای جوانان؛
- تبیین و آموزش درست مصرف و تقبیح اسراف؛
- ترویج قناعت و ساده‌زیستی و تقبیح تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری؛
- تشویق جوانان به رعایت آداب و سنت‌های اخلاقی مانند هدیه و بخشش؛
- تشویق جوانان به پرداخت خمس و زکات و صدقه و انفاق در معامله؛
- جلب مشارکت جوانان در پیشرفت اقتصادی کشور؛
- تجلیل از تولیدکنندگان جوان؛
- شناساندن مبتکران و مخترعان جوان؛
- معرفی کار و تلاش و فعالیت اقتصادی سودمند به عنوان خدمت و عبادت؛
- تبیین موانع گسترش فعالیت‌های اقتصادی جوانان و پی‌گیری برای رفع آن؛
- اثبات به صرفه بودن استفاده از محصولات داخلی و تولیدات جوانان کشور؛
- ارائه الگو و معرفی ابعاد زندگی بزرگان، پیامبران و صالحان به جوانان؛
- تبیین سیره عملی و گفتاری ائمه و پیامبران در کسب و کار به جوانان؛
- طرح و تقبیح آثار اقتصادی - اجتماعی ربا برای جوانان؛
- نقد مبانی، روش‌ها و مدل‌های رایج رشد و توسعه سرمایه‌داری برای جوان؛
- افزایش آگاهی جوانان درباره آثار منفی وابستگی پیوسته اقتصادی؛
- تعمیق و ترویج فرهنگ کار، تلاش و ترویج وجدان کاری؛
- تقبیح کم‌کاری و تن‌پروری و مسامحه کاری، بی‌توجهی و ضعف وجدان کار؛
- تبیین و ترویج اجرای درست و دقیق کار برای جوانان؛
- تقویت اعتماد به نفس و پررنگ ساختن اراده در جوانان؛
- تشویق جوانان به رعایت نظم و انضباط در انجام فعالیت‌ها؛
- تبیین روحی و نشاط حاصل از اشتغال؛
- تعدیل توقعات و انتظارات جوانان در زمینه اشتغال؛
- آموزش قوانین کار و روابط کاری به جوانان؛
- معرفی مشاغل مفید و سالم به جوانان؛
- ترویج فرهنگ مشارکت و کار گروهی به جوانان؛
- آموزش استفاده بهینه از فن‌آوری‌های جدید؛
- ترسیم اهمیت و ارزش تفکر و تدبیر در هر کاری به جوانان؛
- تقویت خودباوری و یافتن توانایی‌های خدادادی؛
- تشویق به بهره‌برداری از فرصت‌ها، نیروها و امکانات جوانی؛
- بازگویی ضرورت اندیشیدن و تفکر؛
- تبیین ارتباط استقلال و سربلندی ملت با کار، تلاش و نوآوری؛
- معرفی تلاشگران نمونه در عرصه توسعه و سازندگی کشور؛
- ایجاد زمینه خلاقیت با برگزاری مسابقات علمی.

// منابع

- ابی‌الحدید، عبدالحمید بن محمد، شرح نهج‌البلاغه، قم، مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی، 1404 ه. ق.
- ابن ابی‌فراس، ورام، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1376 ه. ق.
- بیابانگرد، اسماعیل، روش‌های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، 1378.
- تمیمی‌آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالكلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، چاپ اول، بی‌تا.
- حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1402 ه. ق.
- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ترجمه: احمد جنتی، تهران، امیرکبیر، 1382.

- حکیمی، محمدرضا، الحیاة، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1368.
- دورانت، ویل، لذات فلسفه، تهران، مؤسسه شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1373.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، 1373.
- ذوالفقاری، غلام حسین، رهنمون، تهران، اوسان، چاپ دوازدهم، 1379.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، 1404 هـ.ق.
- شایان مهر، علی رضا، دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، سازمان انتشارات کیهان، 1377.
- شعاری نژاد، علی‌اکبر، روان شناسی رشد، تهران، اطلاعات، 1372.
- شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1374.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1375.
- _____، خلاصه تعلیم در اسلام، تهران، کعبه، چاپ دوازدهم، بی‌تا.
- فیض کاشانی، ملامحسن، محجة البیضاء، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1415.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، نور، 1362.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، چاپ دوم، 1379.
- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، 1373.
- _____، حکمت‌ها و اندرزها، تهران، صدرا، چاپ سوم، 1373.
- میلانی فر، بهروز، بهداشت روانی، تهران، بی‌جا، 1374.
- نوری طبرسی، میرزااحسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، 1408 - 1409.
- هندي، علاء الدین متقی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرساله، 1409.